

الباب الحادى و العشر من الواحد السادس فى ان لا يجوز...

حضرت باب

اصلى فارسى



ORIGINAL



AUDIO

الباب الحادى و العشر من الواحد السادس فى ان لا يجوز الضرب المعلم الطفل ازید من خمسة خفيفة و قبل ان يبلغ خمس سنين فلا يجوز الضرب مطلقا و بعد فلا يجوز ازید من خمسة لا على اللحم بل يضرب على اللباس و ان يزدن على الخمسة او يضرب على اللحم يحرم عليه التقرب الى زوجته تسعة عشر يوما حتى و ان نسی و ان لم يكن له من قرين فلينفق لمن ضربه تسعة عشر مثقالا من ذهب و قد اذن الله للصبيان التلاعب فى ايام العيد بما فى ايديهم و ان يستقرن كل نفس على كرسى فان حين الذى يستقر على الكرسى او سرير او عرش لا يحسب من عمره.

ملخص این باب آنکه در هیچ حال خداوند دوست نمیدارد که هیچ نفسی محزون گردد چگونه آنکه ضری باو رسد و نهی شده کل را که طفل قبل از آنکه بخمس سنین نرسید او را تأدیب بلسان نمایند و بر او حزنی واقع نسازند و بعد از بلوغ آن زیاده از پنج ضرب خفیف تجاوز نکنند آنهم نه بر لحم بلکه بستری حایل کنند و بر شئون دون وقر جاری نسازند چنانچه دأب این زمان است

و اگر تجاوز از خمسة نماید نوزده یوم بر او حلال نمیگردد اقتران و اگر او را نباشد قرین بر او است که نوزده مثقال ذهب دیه تجاوز از حدود الله را دهد بر آن نفس مضروب

و دوست میدارد خداوند که در هر حال اهل بیان بر فوق سریر یا عرش یا کرسی نشینند که آنوقت از عمر او محسوب نمیگردد

ثمره این اوامر این است لعل بر آن نفسی که کل از بحر جود او منوجد میگردند حزنی وارد نیاید زیرا که معلم نمی شناسد معلم خود و کل را چنانچه در ظهور فرقان تا چهل سال نگذشت کسی نشناخت شمس حقیقت را و در نقطه بیان بیست و پنج سال خداوند عالم است که از برای او مقدر فرموده باشد از عمر لا یعرف که همان ایام خوشی او است

اگر چه کل منتظر اویند ولی چون باو ناظر نیستند لا بد بر او حزن وارد خواهد آمد چنانچه بر رسول خدا - صلی الله علیه و اله - قبل از نزول فرقان همه بحسن کمال و دیانت او معترف بودند ولی بعد از نزول فرقان نظر کن در او که چه چیزها که نگفتند که قلم حیا میکند که ذکر کند

و همین قسم نظر کن در نقطه بیان شئون قبل از ظهور او در نزد اشخاصی که میشناختند او را ظاهر است ولی بعد از ظهور با وجودی که تا امروز پانصد هزار بیت از شئون مختلفه از او ظاهر گشته باز بعضی کلماتی میگویند که قلم حیا میکند از ذکر او

ولیکن اگر کل بآنچه خدا فرموده عمل کنند حزنی بر آن شجره وارد نخواهد آمد زیرا که اگر بنا شد کسی کسی را محزون نسازد آنهم نفسی است در میان خلق اگر بآنچه کل بر او خلق شده اند اقدام نورزند بر دون آنهم قریب نگردند که هیچ فضلی اعظم تر از این نبوده و نیست

اگر چه دیده میشود که ایام سرور و ایام قبل از ظهور او است اگر چه ظهور او در ببحوحه خلقی خواهد بود که بحب او متمیم بوده و هستند ولیکن مثل امروز به بین کل باسم او میکنند آنچه میکنند و بر او راضی میشوند آنچه میشوند ان یا عباد الله تتقون.

